

شبکه‌های مجازی، گزینش عقلانی و مشارکت سیاسی آنلاین

یعقوب احمدی^۱

پروین علی‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۵

چکیده

مشارکت در همه ابعاد آن، به‌ویژه مشارکت سیاسی بارزترین نمود توسعه مدنی و سیاسی در جوامع معاصر تلقی می‌شود. از این منظر، شناسایی فرایندهای مشارکت و زمینه‌های تسهیل‌کننده آن برای نیل به توسعه امری گزیرناپذیر است. رشد رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، به تقویت انواع جدیدی از شبکه‌های ارتباطی و اشکال جدیدی از مشارکت منجر شده است که این مطالعه در پی شناسایی و واکاوی آن‌هاست. به عبارت دیگر، این مقاله مکانیسمی را بررسی می‌کند که به‌کمک استفاده از رسانه‌های جمعی بر رفتار مشارکت سیاسی شهروندان مؤثر است. پژوهش حاضر پیمایشی و مقطعی است (نیمه دوم سال ۱۳۹۶). جامعه آماری پژوهش، شهروندان ۱۸ سال به بالای مناطق چندگانه شهر سنج هستند. حجم نمونه مقتضی با توجه به حداکثر پراکندگی و خطای ۵ درصد براساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری نیز به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت. نتایج توصیفی مطالعه نشان‌دهنده حضور بالای پاسخگویان در فضای مجازی و رتبه بالای آن‌ها در رفتارهای تماشاگرانه و تاحدودی رفتارهای متوسط (از قبیل رأی دادن، راه‌اندازی بحثی سیاسی، تلاش برای اقناع فرد دیگر به رأی دادن به‌گونه‌ای خاص و...) است. همچنین نتایج مطالعه بیانگر ارتباط معنادار و مستقیم میان سرمایه اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی در ابعاد سه‌گانه و به‌ویژه نوع متوسط آن (۰/۵۶۴) است. علاوه بر این، نتایج مطالعه نشان‌دهنده اثر متغیر گزینش عقلانی (کاهش هزینه مشارکت، زمان و افزایش فرصت‌ها) به‌عنوان متغیری میانجی در حد واسط حضور در فضای مجازی و مشارکت سیاسی است. مجموع این دو متغیر حدود ۴۵ درصد از تغییرات متغیر مشارکت سیاسی را تبیین کرده است.

واژه‌های کلیدی: انتخاب عقلانی، سرمایه اجتماعی، فضای مجازی، مشارکت، شبکه‌های اجتماعی.

۱. دانشیار دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)، Yahmady@pnu.ac.ir

۲. دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر اجتماعی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، palipoor@ut.ac.ir

مقدمه

توسعه سیاسی و مدنی همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی است. هدف اصلی این توسعه درحقیقت گذار از نوعی جامعه تک‌صدایی، اقتدارگرا و محدود به جامعه‌ای «باز»، چندصدایی و مشارکتی است. از این منظر، مشارکت، هم در فرایندهای مرسوم مانند شرکت در انتخابات و احزاب و... و هم در «اشکال نامتعارف» و جدید آن از جمله نوشتن طومار و برگزاری تحصن و اعتصاب، از مبین‌ها و نمودهای اصلی توسعه سیاسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. در این رابطه، به باور آدلر و گوگین (۲۰۰۵: ۲۴۱) فعالیت مدنی اساساً با «نحوه مشارکت شهروندان فعال در زندگی جمعی برای بهبود شرایط دیگران و کمک به شکل‌دهی به آینده اجتماعی» سروکار دارد و مشارکت سیاسی به کنش‌های قانونی شهروندان اشاره می‌کند که کمابیش به صورت غیرمستقیم در راستای اثرگذاری بر انتخاب حاکمان یا اعمال آن‌ها انجام می‌شود.

از دیدگاه تتورل (۲۰۰۷: ۳۳۶-۳۳۷) مشارکت سیاسی فعالیت‌ها یا کنش‌های شهروندان است که به شیوه‌های متعدد در مسیر اثرگذاری بر بروندهای سیاسی در جامعه قرار دارد و گونه‌شناسی پنج بعدی از مشارکت شامل مشارکت انتخاباتی، مشارکت مصرف‌گرا، فعالیت حزبی، فعالیت اعتراضی و فعالیت‌های ارتباطی را ارائه می‌دهد.

در سال‌های اخیر، با رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی و عضویت و فعالیت روزافزون کاربران در آن‌ها در سطح جهان، بحث درمورد اشکال مشارکت مدنی و سیاسی و ابعاد و زوایای آن جنبه‌های تازه و نوینی یافته است. بسیاری نیز بر اهمیت این فضای تازه بر تنوعات و جهت‌دهی به مشارکت‌ها و فعالیت‌های مدنی تأکید کرده‌اند؛ از این‌رو، اثر اینترنت و فناوری‌های مرتبط با ارتباطات آنلاین و البته سرمایه اجتماعی موجود در این فضا بر فعالیت‌های مدنی و سیاسی به‌ویژه اشکال جدید بسط یافته است. همچنین تنوع فعالیت مدنی در زمینه‌های فنی، ارتباطی و نهادی برای دانشمندان، پژوهشگران و متخصصان معاصر همواره به صورت مسئله و موضوعی درخور توجه قلمداد شده است. درواقع، حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی به رشد گونه‌ای از سرمایه اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی انجامیده است که

متفکران از آن به‌عنوان سرمایه اجتماعی آنلاین^۱ یاد می‌کنند و درباره آثار مثبت و منفی آن به‌ویژه در حوزه‌های رفتار مدنی و سیاسی به‌گفت‌وگو می‌نشینند. بی‌تفاوتی اجتماعی تا شرکت در مباحث سیاسی در فضای مجازی (والنزولا، ۲۰۱۳؛ بارنایس، ۲۰۱۵) و حتی مشارکت در بسیج آنلاین یا آفلاین (باد، ۲۰۱۲) از آثار دوگانه شکل آنلاین سرمایه اجتماعی بر فعالیت مدنی محسوب می‌شود.

در ایران نیز مقوله مشارکت، مشغولیت مدنی و سیاسی شهروندان و عناصر کلیدی آن همواره در طول یک‌صد و اندی سال اخیر مدنظر متفکران علوم اجتماعی، سیاستمداران و سیاست‌گذاران بوده است. همچنین کردستان ایران، علی‌رغم بافت متفاوت فرهنگی-قومی، وجوه هم‌پوشان و هماهنگی با جامعه ایرانی در حوزه‌های سیاسی و مدنی دارد، اما باور به تلقی کردها به‌عنوان شهروندان درجه دوم و سوم از سوی مردم، متفکران و حتی نمایندگان (مانند نطق نمایندگان کرد در مجلس، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۳)، بحث شهروندی، مشارکت و مشغولیت مدنی و فرهنگ شهروندی در جامعه کردستان ایران را دچار پیچیدگی‌های خاصی کرده است؛ به‌نحوی که به‌نظر می‌رسد جامعه کردستان در ایران و به‌ویژه شهر سنندج، مشارکت در فضای مدنی و سیاسی را واجد پیچیدگی‌های خاصی کرده است. همچنین کردستان ایران به‌طور کلی و شهر سنندج به‌طور خاص در سطوح پایین توسعه‌یافتگی اقتصادی و انسانی قرار دارند (اسلامی، ۱۳۹۱: ۵۵-۶۵). این مهم مسائل عدیده‌ای در این مناطق به‌همراه آورده است. از این زاویه به‌نظر می‌رسد مسئله مشارکت و مشغولیت مدنی شهروندی در سنندج با نمود و البته پیچیدگی خاصی همراه باشد. با توجه به آنچه بیان شد، مطالعه حاضر در گام نخست درصدد ارزیابی وضعیت مشارکت و مشغولیت مدنی شهروندان سنندجی، سپس شناسایی اثر حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر محاسبات عقلانی (هزینه-فایده) بر تمایلات شهروندی، به‌ویژه وضعیت مشارکت و مشغولیت شهروندان سنندجی است.

پیشینه تجربی پژوهش

در ایران پژوهش‌های متفاوتی درمورد مشارکت سیاسی و مشغولیت مدنی صورت گرفته است

(شیانی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۱؛ باستانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ پناهی و خوشفر، ۱۳۹۰؛ رهبرقاضی و همکاران، ۱۳۹۵). نادری (۱۳۹۶) با فراتحلیلی در باب مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی بر این نکته تأکید می‌کند که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان از مشارکت سیاسی کل جامعه بیشتر است. با این حال، بیشتر دانشجویان در سطوح پایین سلسله‌مراتب مشارکت سیاسی، یعنی شرکت در انتخابات و پیگیری اخبار سیاسی فعال هستند و تنها درصد کمی از آنها مشارکت سیاسی فعالانه دارند. از دیدگاه پژوهشگر، مشارکت سیاسی دانشجویان از عوامل تبیین‌کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی-اجتماعی و عوامل نهادی تأثیر می‌پذیرد. کرمانی و پاکدامن (۱۳۹۵) با مطالعه وضعیت مشارکت مدنی کاربران فیس‌بوک مبتنی بر سرمایه اجتماعی نتیجه گرفتند که سرمایه اجتماعی در این فضای مجازی از جمله عوامل تسهیل‌کننده مشارکت مدنی در دنیای واقعی است. همچنین دریافتند که در میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، باز/ بسته‌بودن شبکه دوستان، تراکم شبکه، شرایط دستیابی به منابع، شکاف میان منابع موجود و مورد انتظار، رعایت هنجارها و قواعد، اعتماد نهادی/ مدنی و هنجارهای کنش متقابل، شاخص‌های تبیین‌کننده مشارکت مدنی کاربران هستند.

رهبرقاضی و همکاران (۱۳۹۵) با مطالعه‌ای درباره فضای مجازی و جهت‌گیری‌های سیاسی نتیجه گرفتند درحالی‌که افزایش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش میزان مشارکت انتخاباتی می‌شود، واقعی تلقی کردن محتوای این شبکه‌ها و افزایش مصرف روزانه آنها تأثیری منفی بر تمایل افراد به شرکت در انتخابات دارد. درنهایت، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی حتی بر گرایش‌های سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند؛ به طوری‌که در بیشتر موارد افرادی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، بیش از دیگران به سوی گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب گرایش دارند.

اشتریان و امیرزاده (۱۳۹۴) در بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت نتیجه گرفتند که میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. پناهی و خوشفر (۱۳۹۰) با «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی: استان گلستان» که هدف آن شناخت تغییرات میزان مشارکت سیاسی برحسب سرمایه اجتماعی بوده است نتیجه گرفتند که مشارکت سیاسی انتخاباتی (رای‌دادن) قوی‌ترین

جنبه این نوع مشارکت است. همچنین در تبیین این مشارکت مشخص شد که شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی در سطح روابط رسمی، اعتماد در سطح بین شخصی، تعامل اجتماعی در سطح تعامل گروهی و کنش یاریگرانه در سطح اجتماعی (مادی و معنوی) و مذهبی، بیشترین تأثیر را بر تغییرات میزان مشارکت سیاسی دارند. عبدالهیان و حفگویی (۱۳۸۸) با مطالعه کاربری در فضای مجازی و مشارکت سیاسی دانشجویان نشان دادند که هرچه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بیشتر و بالاتر باشد، سطح مشارکت سیاسی کاربران اینترنت (دانشجویان) افزایش می‌یابد. از دیدگاه پژوهشگران، کیفیت استفاده از اینترنت سهم بیشتری در افزایش میزان مشارکت سیاسی کاربران این شبکه دارد. آن‌ها دریافتند که فناوری‌های نوین ارتباطی، به‌ویژه اینترنت نقشی بسیار متفاوت از رسانه‌های سنتی در ایجاد فضای مباحثه آزاد و شکل‌گیری افکار عمومی ناشی از گفت‌وگوی عقلانی انتقادی و درنهایت کنش سیاسی افراد ایفا می‌کند.

فراتحلیل انجام‌شده اسکوریچ، گاه و پانگ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد استفاده از رسانه‌های اجتماعی رابطه مثبتی با مشارکت اجتماعی، مدنی و سیاسی در سطح خرد و متوسط دارد. مطالعات دیگر تأثیر فضای مجازی را بر درگیری کاربران با طیف گسترده‌تری از محتوای رسانه‌ای مرتبط با سیاست و امور عمومی مدنظر قرار می‌دهند (بکشای و همکاران، ۲۰۱۵؛ باربر، ۲۰۱۴). همچنین بیان می‌کنند که این شبکه‌ها شیوه‌های جدیدی برای مکالمه نیمه‌عمومی^۱ موجود در شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهند (روجاس، ۲۰۱۵؛ یاماموتو و همکاران، ۲۰۱۳). درنهایت اینکه رسانه‌های اجتماعی شیوه‌های جدیدی برای تبدیل ارزش‌های اجتماعی پنهان به کنش اجتماعی یا سیاسی برای کاربران فراهم می‌کنند (باد و همکاران، ۲۰۱۴). برخی مطالعات نشان می‌دهند اینترنت می‌تواند بر محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی، قانونی و ساختی موجود بر ارتباطات غلبه کند، تبادل اطلاعات و اعمال و کنش‌های جمعی را بهبود بخشد، منابع کنش را افزایش دهد و بیش از آن موجب تقویت بسیج شهروندان و دموکراسی مشارکتی شود (روسا، ۲۰۱۴؛ کاوادا، ۲۰۱۵). همچنین ژوتر و هیندلز (۲۰۱۱) در پژوهشی درباره اثر سرمایه اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری سیاسی چنین استدلال می‌کنند که با توجه به تئوری‌های موجود، سرمایه اجتماعی می‌تواند رابطه مثبتی با کارایی

1. Semi-Public Conversations

دولت‌ها داشته باشد. این نویسندگان پژوهش خود را با این فرضیه آغاز کرده‌اند که سرمایه اجتماعی منبعی است که موجب تسهیل شرکت در انتخابات و مسئولیت‌پذیری سیاسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد این نوع رابطه در میان مقاماتی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشته‌اند، قوی‌تر بوده است.

ایکدا و بواس (۲۰۱۱) با بررسی پیوند شبکه‌های گفت‌وگوی اجتماعی و مشارکت سیاسی براساس تئوری سرمایه اجتماعی چنین استدلال می‌کنند که این شبکه‌ها می‌توانند مشارکت سیاسی را افزایش دهند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد بحث درباره سیاست - چه به شکل مستقیم و چه غیرمستقیم - می‌تواند سبب افزایش مشارکت سیاسی شود. علاوه‌براین، گفت‌وگو با کسانی که دیدگاه‌های متضادی دارند، موجب کاهش مشارکت سیاسی نمی‌شود. به عبارت دیگر، میان نگرش‌های نامتجانس سیاسی و مشارکت سیاسی، رابطه‌ای مثبت وجود دارد. افینگ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای درباره اثر فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب بر فعالیت سیاسی تأکید کردند و معتقدند شبکه‌های اجتماعی اثر معناداری بر مشارکت سیاسی در سطح ملی و کمتر از آن در سطح محلی دارد. مارک اسکوریچ و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی آنلاین با مشارکت سیاسی در سنگاپور نتیجه گرفتند که میان پیوندهای برون‌گروهی آنلاین و مشارکت آنلاین ارتباطی معنادار وجود دارد. البته آن‌ها بر این باورند که درباره نقش پیوندهای برون‌گروهی آنلاین در مشارکت سیاسی سنتی به نتیجه‌ای نرسیدند که این امر را ناشی از نبود اعتماد به روابط برون‌گروهی آنلاین می‌دانند.

در پاره‌ای از مطالعات بر اثر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر انواع سنتی و آنلاین مشارکت مدنی تأکید شده است (پاسک و همکاران، ۲۰۰۹). اسمیت و همکاران (۲۰۰۹) نیز نتیجه گرفتند که تقریباً از هر پنج کاربر فضای مجازی، یک نفر مطلبی با محتوای موضوعات سیاسی یا اجتماعی ارسال کرده است. همچنین دریافتند که اثر استفاده از شبکه‌های مجازی بر فعالیت مدنی در میان جوانان ۱۸-۲۹ سال نمود بیشتری دارد.

درواقع، مطالعات کمی بسیاری در حوزه مشارکت، به‌ویژه مشارکت سیاسی در ایران و کردستان انجام شده است، اما آنچه مطالعه حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، وجه

نوآورانه آن در سنجش مشارکت و مشغولیت و سنجش اثر محاسبات عقلانی (با استفاده از نظریه انتخاب عقلانی) در تسهیل فرایند مشارکت است.

مبانی نظری

تئورل و همکاران (۲۰۰۷) بر مبنای نظریه‌های آلموند وربا و نای (۱۹۷۲) تعریف جامعی از مشارکت سیاسی ارائه می‌دهند که مبنی بر کنش‌ها و فعالیت‌های شهروندان عادی است که این عوامل به شیوه‌های متعدد در مسیر اثرگذاری بر پیامدهای سیاسی در جامعه حرکت می‌کنند. آن‌ها تیپولوژی جدیدی از انواع مشارکت سیاسی ارائه می‌دهند که پنج بعد دارد؛ مشارکت انتخاباتی، مشارکت مصرفی (اهدای پول برای امور خیریه)، تحریم، مصرف سیاسی و امضای طومار که جایگاه شهروندان را به‌عنوان مصرف‌کننده منتقد نشان می‌دهد. از این میان، فعالیت حزبی فعالیت اعتراضی بعد چهارم است که شامل شرکت در تظاهرات، اعتصابات و سایر فعالیت‌های اعتراضی می‌شود و در نهایت فعالیت ارتباطی که شامل تماس با سازمان‌ها، سیاستمداران یا کارمندان دولتی است (۲۰۰۷: ۳۳۶-۳۳۷). به باور این پژوهشگران، شهروندانی که در شیوه یا بعدی از رفتار سیاسی درگیر می‌شوند، به درگیری در سایر اشکال رفتار سیاسی درون همان بعد تمایل دارند. البته ممکن است به رفتارهای سایر ابعاد متمایل نشوند؛ برای مثال شهروندانی که در تظاهرات غیرقانونی شرکت می‌کنند، به درگیری در تظاهرات قانونی نیز تمایل دارند، اما ممکن است به فعالیت حزب علاقه‌ای نداشته باشند (همان: ۳۴۰).

اکمان و آمنّا (۲۰۱۰) با تفکیک مشارکت سیاسی به انواع پنهان و آشکار همسو با مطالعه تئورل و همکاران درصدد ارائه گونه‌شناسی تازه‌ای از مشارکت سیاسی هستند. متفکران برآنند که اشکال آشکار و متعارف مشارکت (عضویت در احزاب سیاسی، تشکیل گروه یا شرکت در جلسات عمومی و...) در سال‌های اخیر دچار فرسایش شده‌اند و اشکال جدید در حال افزایش هستند. امروزه، مطالعات درمورد مشارکت مدنی و سیاسی شهروندان، دو واحد گسترده تحلیلی یعنی شهروندان و دولت‌ها را مدنظر قرار داده است. حوزه‌های پژوهشی مانند سیاست عمومی، علوم سیاسی و مطالعات ارتباطی و البته حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، در رویکرد

اصلی خود شهروندمحور هستند و عوامل مختلفی را که بر رفتار مشارکت شهروندی در مسائل مدنی و سیاسی تأثیر می‌گذارد بررسی می‌کنند. مطالعات شهروندمحور که رفتار مشارکت سیاسی را واکاوی می‌کنند، بر یک پیوستار قابل طبقه‌بندی هستند (بیمبر، ۲۰۰۳). در یک‌سوی طیف، مدل‌های نظری قرار دارند که بر روابط مستقیم میان هزینه‌های ارتباطات و مشارکت تأکید می‌کنند. این مدل‌ها به تأثیر استفاده از اینترنت به‌عنوان وسیله‌ای برای مشارکت شهروندان توجه دارند. در انتهای دیگر این طیف، مدل‌های نظری وجود دارند که بر نوعی رویکرد روان‌شناختی تأکید می‌کنند که در آن انگیزه‌ها، ویژگی‌ها و زمینه‌های اجتماعی کاربران نقشی مهم در مشارکت دارد. این مطالعات به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: تأثیر سرمایه اجتماعی، تأثیر ویژگی‌های فناوری و تأثیر ویژگی‌های فردی.

در مجموع، دو رویکرد ابزاری و روان‌شناختی-جامعه‌شناختی برای بررسی رفتار مشارکت شهروندان وجود دارد. در رویکرد ابزاری به رفتار مشارکتی مبتنی بر تحلیل هزینه‌ها و منافع در تصمیم‌گیری اشاره می‌شود و توضیح می‌دهد که شهروندان چرا و در چه شرایطی در موضوعات سیاسی مشارکت یا از مشارکت اجتناب می‌کنند. رویکرد روان‌شناختی-جامعه‌شناختی با توجه به خصوصیات فردی و زمینه اجتماعی، دامنه نظریه را نیز گسترش می‌دهد. با توجه به محتوای مطالعه حاضر و نگاه خاص درباره آثار تسهیلگر و شتاب‌دهنده شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر توازی هزینه‌ها و سوق‌دادن کنشگر در تمایل به مشارکت، بر نظریه انتخاب عقلانی در تبیین مشارکت سیاسی تمرکز و البته تأکید می‌شود که سایر جنبه‌ها و رویکردها نیز در زمینه‌های دیگر اهمیت و اثرگذاری خاص خود را دارند. به هر حال، در مکتب انتخاب عاقلانه که آنتونی داونز مهم‌ترین نظریه‌پرداز آن است، هرگونه رفتار سیاسی، حاصل تصمیم بازیگری است که به‌طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلفی که در وضعیتی خاص پیش‌روی او قرار دارند، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که به بهترین نحو اهداف او را تأمین کند. داونز در چارچوب مکتب انتخاب عاقلانه، تبیینی تئوریک از رفتار رأی‌دهی مردم ارائه داده است که می‌تواند به برخی از انواع دیگر مشارکت سیاسی قابل‌تعمیم باشد. هر رأی‌دهنده بالقوه براساس محاسبه عقلانی عمل می‌کند. همچنین در جریان مبارزه انتخاباتی با ارزیابی دولتی که بر سر کار بوده است، مقایسه آن با ادعاها و برنامه‌های احزاب مخالف و با

در نظر گرفتن منافع که ممکن است از پیروزی این یا آن حزب عاید شخص او شود، به گزینش می‌پردازد. رأی‌دهندگان انتخاب‌کنندگان عاقلی هستند که شرکت در انتخابات را وسیله‌ای برای تأمین منافع شخصی خود می‌دانند (سید امامی، ۱۳۸۶: ۶۳). اولسون معتقد است نفع شخصی عقلانی فرد را وادار می‌کند تا هزینه‌های مشارکت در گروه یا عمل جمعی را در مقابل منافع آن بسنجد. وی عقلانیت را عاملی قوی برای مشارکت سیاسی می‌داند. داوونز و اولسون بر عقلانیت در مشارکت سیاسی تأکید می‌کنند (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

با ظهور شبکه‌های اجتماعی و تلقی شکل‌گیری نوع تازه‌ای از روابط اجتماعی و مدنی در این شبکه‌ها، اهمیت مطالعه در این زمینه برای جامعه‌شناسان دوچندان شده است. رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی، جامعه‌شناسان را از بررسی گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی، به سنجش پیوندهای کنشگرانی سوق می‌دهد که «آن‌چنان درهم‌تنیده و به‌هم‌پیوسته نیستند که بتوان آن‌ها را گروه نامید» (ولمان، ۱۹۸۳: ۱۶۹). از یک‌سو، پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد اینترنت بر محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی و قانونی غلبه می‌کند. در نتیجه تبادل اطلاعات، شیوه‌های ارتباطات و منابع کنش بهبود می‌یابد و بسیج شهروندی و مشارکت دموکراتیک تقویت می‌شود (کاوادا، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، سایر متفکران بر این نکته تأکید می‌کنند که نقش سیاسی اینترنت نه مهم است و نه کارکردی (رماین، ۲۰۱۴؛ هامپتن و لینگ، ۲۰۱۱). همپتون (۲۰۱۱: ۵۱۰) استدلال می‌کند که «تنوع شبکه‌ی فراگیر پیش‌بینی‌کننده مهم‌تر و مناسب‌تری از رفتارهای مدنی و شهروندی است تا پیوندهای قوی کوچک و منسجمی که مردم را با شدت بیشتری به هم مرتبط می‌کنند؛ از این رو مبانی نظری و تجربی مرتبط با اثر سرمایه اجتماعی در فضای مجازی بر فعالیت مدنی و فرهنگ شهروندی، متنوع و اغلب متناقض است. گزارش‌های مثبت از نقش ارتباطات و فضای مجازی (آنلاین و آفلاین) عمدتاً توجه خود را به ویژگی‌های گفت‌وگویی، انعطاف‌پذیری، مشورتی و اشکال ذاتاً دموکراتیک شبکه‌های ارتباطات اجتماعی معطوف کرده‌اند. کان و کلنر (۲۰۰۴: ۹۴) با اشاره به «خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین» فضای مجازی را به‌عنوان «فضای حیاتی تازه برای سیاست و فرهنگ» تلقی می‌کنند. هم‌زمان بیمبر، فلاناگین و استول (۲۰۰۵) اشاره می‌کنند که فناوری‌های ارتباطی با فراهم کردن امکان «عبور از مرز خصوصی به عمومی» انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری برای کنش جمعی فراهم می‌کنند. بنت و اسگربرگ (۲۰۱۱) بر اهمیت تقویت «شخصی‌سازی کنش

جمعی^۱ آنلاین تأکید می‌کنند و معتقدند رسانه‌های دیجیتال توانایی شبکه‌های شخصی را برای ایفای نقش برجسته‌تر در اعتراضات یا سایر اشکال کنش مدنی افزایش می‌دهند. پاره‌ای از متفکران با توجه به کیفیت و کارکردهای ارتباطات آنلاین در زمینه فعالیت مدنی عنوان می‌کنند که برنامه‌های آنلاین، سرعت انتقال و دسترسی به اطلاعات مربوط به اعتراضات و محتوای چندرسانه‌ای را افزایش داده‌اند (روسا، ۲۰۱۴).

ایرل (۲۰۱۱) و بنت و فیلدینگ (۱۹۹۹) بر ویژگی‌های نوآورانه اشکال مشارکت عمومی آنلاین مانند سایت‌های اعتراضی آنلاین، بایکوت‌های آنلاین و کمپین‌های ایمیلی و توانایی آن‌ها برای تغییر اشکال تثبیت‌شده فعالیت عمومی بدون نیاز به اعتراض آفلاین تأکید کرده‌اند. از دیدگاه برخی دیگر از متفکران، فضای مجازی به شکل‌گیری اشکال جدیدی از فعالیت منجر می‌شود که اغلب ارتباطی با جنبش‌های اجتماعی آفلاین موجود ندارد؛ زیرا این اشکال بر استدلال‌ها و دلایل جدیدی برای مشارکت مبتنی هستند و احتمالاً به کمک افرادی ایجاد می‌شوند که پیش‌تر در جنبش‌های اجتماعی فعال نبوده‌اند (ایرل، ۲۰۱۱).

کاوادا (۲۰۱۵) نیز درباره نحوه عملکرد فرایندهای فضای مجازی و ارتباطات آنلاین (به‌ویژه فیس‌بوک) متفکران مختلف با توجه به اثر فزاینده بر ایجاد نوع خاصی از سرمایه اجتماعی، اشاره می‌کند که فیس‌بوک ابزاری برای فعالیت سیاسی، حمایت از محیط‌زیست و طراحی شهری است (والزوتلا، ۲۰۱۳). درنهایت اینکه تعدادی از متفکران در رهیافتی دقیق‌تر معتقدند سرمایه اجتماعی و ارتباطات آنلاین، جایگزین ارتباطات چهره به چهره و سرمایه اجتماعی آفلاین نمی‌شود، بلکه تنها به صورت مکمل عمل می‌کند (هامپتون، ۲۰۱۱).

چارچوب نظری

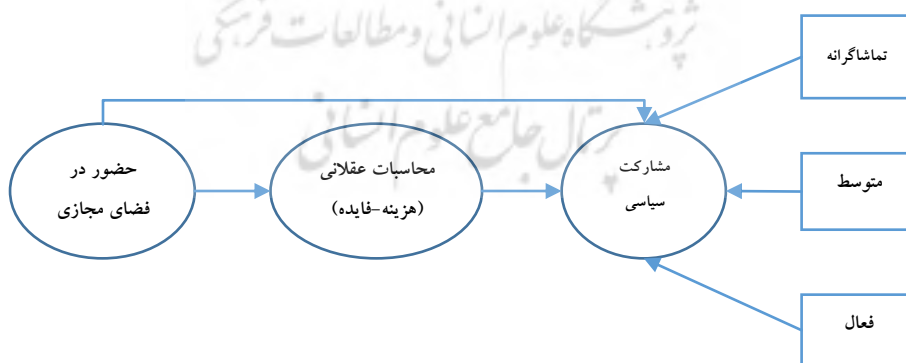
مروری بر پیشینه نظری و تجربی مرتبط با مشارکت سیاسی نشان می‌دهد گونه‌های مشارکت در دوره معاصر متنوع و عوامل مرتبط با مشارکت متعدد است. هریک از اندیشمندان نیز یک یا مجموعه‌ای از عوامل را در تکوین مشارکت سیاسی و مدنی مؤثر می‌دانند. براساس پیشینه‌های تجربی فوق، در مطالعه حاضر فرضیه‌هایی به‌ویژه با تأکید بر پژوهش‌های زیر بیان شده‌اند:

1. Personalization of Collective Action

کرمانی و پاکدامن (تسهیل مشارکت مدنی در دنیای واقعی توسط سرمایه اجتماعی موجود در فضای مجازی)؛ حق‌گویی و عبدالهیان (افزایش مشارکت سیاسی کاربران اینترنت)؛ رهبرقاضی و همکاران (تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر گرایش‌های سیاسی)؛ نادری (شدت مشارکت آشکار و متعارف)، ایکدا و بواس (افزایش مشارکت سیاسی به‌واسطه شبکه‌های گفت‌وگوی اجتماعی)؛ تئورل و اکمان و آما (گونه‌های مشارکت سیاسی، پنهان و آشکار)، گرانوتر (قدرت پیوندهای ضعیف)، کان و کلنر (خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین)، بیمبر، فلانگین و استول (امکان «عبور از مرز خصوصی به عمومی»، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتر برای کنش جمعی) و بنت و اسگریگ (شخصی‌سازی کنش جمعی در فضای مجازی) و مهم‌تر از همه نظریه انتخاب عقلانی درباره مشارکت سیاسی (هزینه-فایده).

فرضیه‌های پژوهش

- حضور در فضای مجازی با وضعیت مشارکت سیاسی و انواع آن (تماشاگرانه، متوسط و فعالانه) در میان شهروندان سنندجی مرتبط است.
- میان حضور در فضای مجازی و محاسبات عقلانی (هزینه-فایده) کنشگران ارتباط وجود دارد.
- محاسبات عقلانی (هزینه-فایده) در فضای مجازی با مشارکت سیاسی شهروندان سنندجی مرتبط است.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی

پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی است. از نظر کنترل شرایط پژوهش نیز بررسی پیمایشی^۱، از نظر هدف، بررسی کاربردی^۲، از نظر معیار، ژرفایی از نوع پنهانگر^۳ و از نظر معیار زمان آن، از نوع بررسی مقطعی^۴ است. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شد. جامعه آماری آن نیز شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای سنندجی است. در این پژوهش، برای دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، سه خوشه از شهر که معرف وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهر سنندج است، براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه سطح گوناگون شهر سنندج انتخاب شدند. همچنین پاسخگویان در این مناطق با پاسخ به این پرسش که آیا از اینترنت و فضای مجازی استفاده می‌کنید، انتخاب شدند. حجم نمونه مبتنی بر احتمال وقوع صفت و برآورد خطا و همچنین براساس جامعه آماری، ۳۸۴ نفر تعیین شد. براین اساس پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر روایی و پایایی مناسب در میان پاسخگویان توزیع شد.

جدول ۲. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف پژوهش

نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
مشارکت سیاسی	۱۲	۰/۸۹۴
مشارکت تماشاگرانه	۴	۰/۷۹۲
مشارکت متوسط	۴	۰/۷۸۴
مشارکت فعالانه	۴	۰/۸۲۸
هزینه فایده (کنش عقلانی سیاسی)	۱۴	۰/۹۱۲
وضعیت حضور در فضای مجازی	۵	۰/۷۶۲

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

مشارکت سیاسی: مشارکت سیاسی یعنی درگیر شدن فرد در سطوح گوناگون فعالیت در نظام سیاسی که شامل عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۲). این تعریف بر نقش مشارکت در سلسله‌مراتب قدرت تأکید دارد. به نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی

1. Survey
2. Applied
3. Extensive
4. Cross Sectional

عبارت است از «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت» (۱۳۷۷: ۷۷). در تعریف کلاسیک وربا و نای (۱۹۷۲: ۲) «مشارکت سیاسی به آن دسته از فعالیت‌های شهروندان عادی اشاره دارد که کمابیش به‌طور مستقیم با هدف تأثیر بر انتخاب کارگزاران دولتی یا اقداماتی که انجام می‌دهند، صورت می‌گیرد». مطالعات علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی در حوزه مشغولیت مدنی در سیاست، عمدتاً بر مشارکت انتخاباتی شهروندان متمرکز است (ون دث، ۲۰۰۱). با وجود این، تئورل و همکاران (۲۰۰۷) گونه‌شناسی پنج‌گانه‌ای شامل پنج بعد از مشغولیت مدنی را ارائه می‌دهند که این مطالعه مبتنی بر آن به تعریف عملیاتی مشارکت سیاسی دست یافته است. این گونه شامل مشارکت انتخاباتی (رأی دادن و...)، مشارکت مشتری^۱ (اهدای پول به خیریه‌ها و مؤسسات بشردوستانه)، فعالیت‌های حزبی (عضویت در حزب، فعالیت در حزب، کار داوطلبانه به منظور کسب درآمد برای حزب و...) فعالیت‌های اعتراضی (تظاهرات، اعتصاب و سایر فعالیت‌های اعتراضی) و فعالیت‌های ارتباطی (تماس با سازمان‌ها، سیاستمداران و کارگزاران دولتی) است. با توجه به مبحث تئورل و مبتنی بر دسته‌بندی میلبرت (۱۹۶۵)، مشارکت سیاسی به سه بعد رفتارهای تماشاگرانه (رأی دادن، راه‌اندازی بحث سیاسی، تلاش برای اقناع فرد دیگر به رأی دادن به‌گونه‌ای خاص)، رفتارهای متوسط (شرکت در جلسه یا گردهمایی سیاسی، کمک مالی به گروهی سیاسی یا نامزد، تماس با مقامات سیاسی و...) و رفتارهای فعالانه (صرف وقت در تبلیغات سیاسی، عضویت فعال در گروهی سیاسی، گردآوری کمک‌های مالی برای مقاصد سیاسی و...) تقسیم شده است.

منافع مورد انتظار (کنش مبتنی بر هزینه-فایده)

در این مطالعه، با توجه به نظریه داونز (۱۹۵۷)، دیویس (۱۹۸۹) و مطالعات برادی و همکاران (۱۹۹۵) درباره هزینه‌های مشارکت سیاسی از جمله در حوزه مالی، زمان و تلاش، همچنین مطالعات چی و همکاران (۲۰۰۶) درباره منافع مشارکت سیاسی به‌ویژه مبتنی بر فضای مجازی، ۱۸ گویه برای سنجش وضعیت هزینه فایده مشارکت در نظر شهروندان طرح شد؛ از جمله اثر فضای مجازی در کاهش هزینه‌های زمانی، مالی، ناشناس ماندن و... همچنین در حوزه

منافع مورد انتظار از مشارکت درمورد رضایت از انجام مسئولیت‌های مدنی، رضایت از ابراز نظرات، شرکت در مباحث آزاد و مکالمات اجتماعی، کمک به جامعه با اشتراک‌گذاری اطلاعات مفید، پدیدآوردن آگاهی در جامعه و کمک به دانش دیگر اعضا در فضای رسانه‌های اجتماعی. این مزایا را می‌توان به‌عنوان منافع خود یا به نفع جامعه طبقه‌بندی کرد. افزون بر این، حضور در فضای مجازی و کیفیت و شدت این حضور، براساس مطالعه‌ی یسون و همکاران (۲۰۰۷) و مطالعات تجربی در ایران به‌کمک ۵ گویه از حضور، تعداد ساعات حضور، علت حضور و... سنجش شد.

یافته‌ها و نتایج

یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی نشان می‌دهد ۲۰۰ نفر از نمونه پژوهش مرد و ۱۸۴ نفر زن هستند که این امر، تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. همچنین حدود ۴۶ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی تحصیل کرده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۳۰ است. در رتبه‌بندی درآمدی، سطح درآمد «۱ میلیون تومان تا ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ماه» بیشترین فراوانی را در میان پاسخگویان (۶۰/۲ درصد) و درآمد بالای ۳ میلیون تومان در ماه با ۷/۴ درصد فراوانی، کمترین فراوانی را داشته است. ۲۳/۵ درصد مسکن ملکی دارند و بقیه بدون مسکن شخصی هستند و در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای اسکان یافته‌اند.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرهای پژوهش	حداقل آماره	حداکثر آماره	میانگین	انحراف معیار	وضعیت
مشارکت سیاسی	۲۵	۱۲۵	۷۸/۱۱	۶/۴۳	در حد متوسط
مشارکت فعالانه	۴	۲۰	۱۲/۶۵	۲/۲۳	پایین‌تر از متوسط
مشارکت متوسط	۴	۲۰	۱۴/۵۲	۱/۹۴	در حد متوسط
مشارکت تماشاگرانه	۴	۲۰	۱۷/۴۹	۲/۱۲	در حد بالا
اولویت منافع و تقلیل هزینه					
مشارکت مبتنی بر فضای مجازی	۱۴	۷۰	۴۶/۳۳	۸/۳۴	بالاتر از متوسط
حضور در فضای مجازی	۵	۲۵	۱۹/۴۴	۳/۴۶	بالاتر از متوسط

نتایج توصیفی نشان می‌دهد نمره میانگین مشارکت سیاسی به‌عنوان یک کل، ۷۸/۱۱ از حد وسط نمره ۱۲۵ است؛ یعنی مشارکت سیاسی شهروندان در حد متوسط قرار دارد. نتایج جدول ۳ درباره میانگین ابعاد مشارکت سیاسی نشان می‌دهد میانگین گونه فعالانه از مشارکت سیاسی در حد متوسط و حتی متوسط روبه‌پایین است. همچنین بالاترین گونه مشارکت نوع تماشاگرانه است که به‌نظر می‌رسد مورد مشارکت در انتخابات و موارد نزدیک به آن، در دسترس‌ترین نوع مشارکت سیاسی شهروندان سنجی محسوب می‌شود. براساس نتایج جدول ۳، حضور و شدت حضور در فضای مجازی در سطح بالایی قرار دارد. همچنین پاسخگویان بر اهمیت کاهش هزینه‌های مشارکت در فضای مجازی تأکید کرده‌اند.

یافته‌های استنباطی

نتایج استنباطی نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان حضور در فضای مجازی و ابعاد سه‌گانه مشارکت به‌ویژه مشارکت متوسط است. رابطه تأییدشده برای هر سه مورد، مستقیم (مثبت) و متوسط به بالاست. بیشترین شدت ارتباط مربوط به اثر حضور در فضای مجازی بر بعد متوسط مشارکت سیاسی (شرکت در جلسه یا گردهمایی سیاسی، کمک مالی به گروه سیاسی یا نامزد، تماس با مقامات سیاسی و...) (۰/۵۶۴) است که پیوند منطقی و نظری با متغیر مستقل دارد و شدت آن بیش از متوسط ارزیابی می‌شود. براین اساس، شبکه‌های اجتماعی مجازی در تمایل افراد به درگیری در مشارکت‌ها از نوع جدید مؤثر هستند. از این منظر و هم‌زمان با رشد حضور فزاینده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان شهروندان ایرانی و کردستانی، رشد فزاینده وقوع رفتارهای مدنی در سال‌های اخیر قابل توجیه است.

جدول ۴. آزمون فرضیات و ارتباط متغیرهای پژوهش

مشارکت سیاسی		
سطح معناداری	شدت هم‌بستگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	حضور در فضای مجازی
۰/۰۰۰	۰/۵۷۱	محاسبه هزینه فایده

همچنین نتایج مطالعه بیان‌کننده اثر مستقیم و معنادار محاسبه هزینه فایده بر مشارکت سیاسی و ابعاد آن به‌ویژه مشارکت سیاسی فعالانه (صرف وقت در کارزار تبلیغات سیاسی، عضویت فعال در گروهی سیاسی، گردآوری کمک‌های مالی برای مقاصد سیاسی و...) (۰/۶۳۲) است. البته محاسبات هزینه فایده، اثر معناداری بر مشارکت سیاسی تماشاگرانه شهروندان ندارد.

جدول ۵. آزمون فرضیات و ارتباط متغیرهای پژوهش

مشارکت سیاسی فعالانه		مشارکت سیاسی متوسط		مشارکت سیاسی تماشاگرانه		
شدت هم‌بستگی	شدت سطح معناداری	شدت هم‌بستگی	شدت سطح معنادار	شدت هم‌بستگی	شدت سطح معناداری	
۰/۰۰۰	۰/۴۲۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶۴	۰/۰۵	۰/۱۱۲	حضور در فضای مجازی
۰/۰۰۰	۰/۶۳۲	۰/۰۶	۰/۱۱۴	۰/۱۱۲	۰/۰۹۴	محاسبه هزینه-فایده

یافته‌های مربوط به ارتباط متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته نشان می‌دهد سن و تحصیلات، اثری معنادار بر متغیر وابسته دارند که اثر سن، معکوس و معنادار و اثر تحصیلات مستقیم است؛ یعنی افزایش تحصیلات احتمالاً به تقویت مشارکت سیاسی منجر خواهد شد. همچنین مشارکت سیاسی مردان بیش از زنان است و از این حیث تفاوت معناداری میان زنان و مردان وجود دارد.

جدول ۶. ارتباط متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته

نتیجه	جهت رابطه	مقدار آزمون و معناداری	آزمون متغیر وابسته مورد استفاده	متغیر مستقل	متغیرهای زمینه‌ای
تأیید فرضیه	-	(T=۳/۳۴۱) (Sig=۰/۱۸۷)	T	جنسیت	
تأیید فرضیه	معکوس	r=-۰/۱۸۹ (Sig=۰/۰۰۰)	پیرسون	سن	
رد فرضیه	-	T=۲/۱۸۶ (Sig=۰/۱۸۷)	T	تاهل	
تأیید فرضیه	-	r=۰/۳۴۵ (Sig=۰/۰۰۰)	اسپیرمن	تحصیلات	

مدل برازش اثر متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی

به منظور بررسی میزان تأثیر و تعیین‌کنندگی حضور در فضای مجازی و محاسبه هزینه فایده بر مشارکت سیاسی، از تحلیل رگرسیونی گام‌به‌گام استفاده شد. در مجموع هر دو متغیر وارد شده در تحلیل (همان‌طور که در جدول ۷ آمده است) تقریباً ۴۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. براین اساس و برای تشخیص اثر جداگانه هر یک از ابعاد و امکان مقایسه، آماره‌های استاندارد در جدول ۷ ارائه شده‌اند.

جدول ۷. آماره‌های تحلیل رگرسیونی چندمتغیره فرهنگ شهروندی

۰/۶۴۸	Multiple R	ضریب هم‌بستگی چندگانه
۰/۵۳۲	R Square	ضریب تبیین
۰/۴۵۴	Adjusted R Square	ضریب تبیین تصحیح‌شده
۲/۶۳	Durbin-Watson	آزمون دوربین-واتسون

نتایج تحلیل در مدل برازش مشارکت سیاسی با توجه به مقدار F به دست آمده ($f=23.114$) (sig: 0.000) نشان می‌دهد مدل تبیینی AR تصحیح‌شده معنادار است.

جدول ۸. تحلیل واریانس رگرسیون چندمتغیره مشارکت سیاسی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۳۲۱۰/۴۱۵	۵	۶۲۸/۲۱		
باقیمانده	۱۳۳۹/۷۴۰	۳۳۵	۲۵/۲۰۱	۲۵/۲۱۱	۰/۰۰۰
کل	۴۵۵۴/۱۳۸	۳۴۰	-		

جدول ۹. آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل در مدل

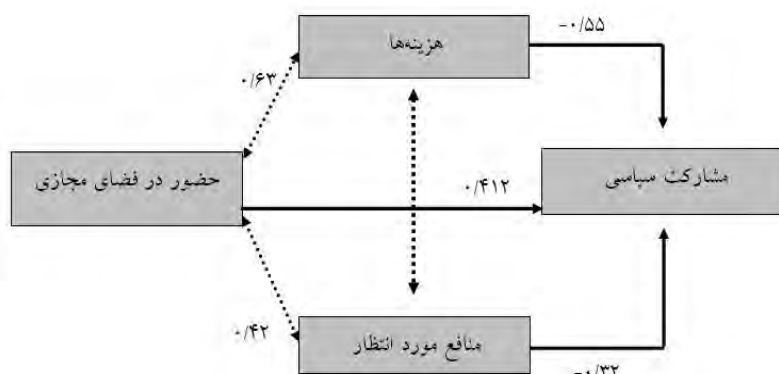
نام متغیر	B	St.	Beta	T	Sig
عرض از مبدأ	۵۲/۴۱۵	۱۰/۷۸۴	-	۸/۴۶۲	۰/۰۰۰
حضور در فضای مجازی	۱/۵۱۳	۰/۷۶۴	۰/۴۱۱	۵/۶۴۷	۰/۰۰۰
محاسبه هزینه فایده	۱/۲۴۰	۰/۱۹۴	۰/۲۸۶	۴/۵۱۴	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۹ که نتایج آن با نتایج مبانی نظری و بسیاری از مطالعات تجربی همخوانی دارد، از میان متغیرهایی که وارد معادله و تحلیل رگرسیونی شده‌اند، متغیر مشارکت سیاسی در درجه اول از متغیر حضور در فضای مجازی تأثیر می‌پذیرد. این متغیر به‌تنهایی ۴۱ درصد از واریانس مشارکت سیاسی در میان جامعه مورد مطالعه را تبیین می‌کند؛ یعنی حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، پیوند با افرادی غریبه و کسانی که ارتباط نزدیک و صمیمی با آن‌ها وجود ندارد و پیوند با آن‌ها مبتنی بر اعتماد عام است، اثر معنادارتری بر مشارکت سیاسی شهروندان دارد. در وهله دوم، متغیر محاسبه هزینه فایده حدود ۲۸ درصد از مشارکت سیاسی شهروندان را تبیین می‌کند.

تحلیل مسیر

در تحلیل مسیر، ضریب هم‌بستگی هر متغیر مستقل با وابسته بر اثر مستقیم آن متغیر بر متغیر وابسته و آثار غیرمستقیم مزبور، به‌کمک متغیرهای مستقل دیگر تقسیم می‌شود. در پژوهش حاضر، تحلیل مسیر عوامل مرتبط با مشارکت به شرح نمودار ۱ است:

- متغیر کاهش هزینه‌ها تعیین‌کننده‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان مورد مطالعه است. این عامل ۵۵٪- درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند؛
- متغیر حضور در فضای مجازی به میزان ۴۲٪ درصد، دومین عامل تعیین‌کننده و اثرگذار به شکل معکوس بر میزان مشارکت سیاسی جامعه مورد مطالعه است؛
- متغیر منافع مورد انتظار به میزان ۳۲٪- درصد سومین عامل تعیین‌کننده و اثرگذار بر میزان مشارکت سیاسی جامعه مورد مطالعه است؛
- متغیر حضور در فضای مجازی به‌کمک دو متغیر کاهش هزینه و منافع مورد انتظار، اثرگذاری غیرمستقیمی بر مشارکت سیاسی شهروندان دارد.



نمودار ۱. مدل تحلیل مسیر عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی

نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر فهم و واکاوی وضعیت مشارکت سیاسی شهروندان سندجی مبتنی بر وضعیت حضور و کیفیت و شدت آن در فضای مجازی است. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد میانگین مشارکت سیاسی که به سه گونه تماشاگرانه، متوسط و فعالانه تفکیک شده است، در محدوده‌های متوسط قرار دارد. البته نتایج نشان‌دهنده وضعیت مناسب‌تر و بالاتر مشارکت سیاسی تماشاگرانه در میان شهروندان سندجی است. این موضوع مؤید نظرات اینگلهارت و همکاران (۱۳۸۹) است که بر هم‌زمانی حضور در جامعه سنتی و صنعتی و کنش‌های سیاسی متعارف تأکید دارند. همچنین وجه فعالانه مشارکت سیاسی در وضعیت پایینی قرار دارد؛ یعنی اشکال جدید مشارکت خارج از حوزه‌های سنتی آن هنوز در آغاز راه است و نشانه‌هایی از بروز و ظهور آن در جامعه ایرانی در حال پدیدار شدن است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیات، برآوردها و سطح معناداری نشان می‌دهد اثر حضور در فضای مجازی (کیفیت و شدت آن) بر هزینه-فایده، و اثر محاسبات عقلانی (هزینه-فایده) بر متغیر وابسته مشارکت سیاسی معنادار است. در نتیجه متغیر حضور در فضای مجازی اثری معنادار بر مشارکت سیاسی دارد که این نتیجه با مطالعات تجربی بنت و سگربرگ (۲۰۱۱)، کارتی (۲۰۱۰)، کاوادا (۲۰۱۵) و روسا (۲۰۱۴) هم‌خوانی و هماهنگی دارد که مبنی بر اثر حضور در فضای مجازی بر حذف محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی، قانونی و ساختی موجود بر

ارتباطات و تبادل اطلاعات، بهبود اعمال و کنش‌های جمعی، افزایش منابع کنش و تقویت بسیج شهروندان و دموکراسی مشارکتی هستند. همچنین با نتایج مطالعه اسکوریچ و همکاران (۲۰۰۹) در رابطه با اثر پیوندهای برون‌گروهی بر مشارکت سیاسی و گاه و پانگ (۲۰۱۶) در مورد اهمیت حضور در فضای مجازی برای مشارکت مدنی هم‌خوانی دارد. همچنین نتایج مؤید تئوری‌های متفکرانی مانند همپتون (۲۰۱۱) است. از دیدگاه وی «تنوع شبکه فراگیر پیش‌بینی‌کننده مهم‌تر و مناسب‌تری از رفتارهای مدنی و شهروندی است تا پیوندهای قوی کوچک و منسجمی که مردم را با شدت بیشتری به هم مرتبط می‌کنند» (همان: ۵۱۰). همچنین با ایده کان و کلنر (۲۰۰۴) با اشاره به «خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین» که فضای مجازی را به‌عنوان «فضای حیاتی تازه برای سیاست و فرهنگ» می‌داند، هم‌خوانی دارد. هم‌زمان میمبر، فلاناگین و استول (۲۰۰۵) اشاره می‌کنند فناوری‌های ارتباطی با فراهم کردن امکان «عبور از مرز خصوصی به عمومی»، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری برای کنش جمعی فراهم می‌کنند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر بیانگر ارتباط معنادار و البته غیرمستقیم حضور در فضای مجازی به‌کمک متغیر محاسبات عقلانی با مشارکت سیاسی است که این نتیجه با نتایج مطالعات داوونز (۱۹۵۷) و دیویس (۱۹۸۹) مبنی بر اثر محاسبات عقلانی و انتخاب عقلانی بر کنش و رفتار سیاسی هم‌خوانی دارد.

به هر حال می‌توان نتایج تجربی مطالعه حاضر را از نظر جامعه‌شناختی این‌گونه تفسیر کرد که با ظهور جامعه شبکه‌ای و فضای اجتماعی مجازی، شکل، محتوا و کیفیت تعاملات انسانی و به‌تبع آن کنش‌های مدنی و سیاسی دچار تغییرات فراوانی شده است؛ از این‌رو مطالعه و تحلیل آن‌ها مبتنی بر مبانی نظری پیشین، تاحدودی دشوار و ناممکن است. در کنش‌های مدنی و سیاسی سخن از «مشارکت نامتعارف» از سوی اینگلهارت و همکاران (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۹) تأکید بر روندی است که در آن نوع کنش‌های مدنی از شکل‌های متعارف خود (حضور در احزاب و کنش‌های مدنی حزبی و سخت و...) فاصله گرفته است. وجه غالب نیز حداقل در جوامع غربی صورت تازه‌ای از کنش مدنی است که مبتنی بر ارتباطات مجازی و کنش‌ها و فعالیت‌های بی‌نیاز از پیوندهای منظم و ثابت است. این روند با رشد جامعه شبکه‌ای در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نیز در حال گسترش است. نشانه‌ها و مصداق‌های چنین

روندی در فعالیت‌های سیاسی و مدنی در حوزه‌های زیست‌محیطی در جوامع مختلف، به‌ویژه جامعه ایران و کردستان نمایان است که در مواردی به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد اهمیت حضور در فضای مجازی بیش از شکل‌دهی به تغییرات اساسی در ارزش‌ها ناشی از تسهیلگری و تسریع در انجام‌دادن امور و در نتیجه کاهش هزینه و افزایش منافع مورد انتظار است. بر این اساس می‌توان گفت عمده‌اثر حضور در فضای مجازی از طریق غیرمستقیم به واسطه‌اثر حضور بر رشد مؤلفه انتخاب عقلانی مبتنی بر کاهش هزینه‌ها (زمان، پول و دسترسی) و افزایش منافع در نتیجه حضور در فضای مجازی است.

منابع

- اخترشهر، علی (۱۳۸۶)، *مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۴: ۸۵۲-۸۲۱.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۷)، «جنبش دانشجویی»، *روزنامه اخبار*، ۱۰ اسفندماه ۱۳۷۷.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، *جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران*، تهران: مؤسسه نشر نوین.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۴)، «آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران»، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۲: ۱۰۳-۱۳۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: انتشارات سمت.
- حریری‌اکبری، محمد (۱۳۷۷)، *ریشه‌های فعالیت‌های سیاسی دانشجویان*، تبریز: بی‌جا.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۰)، «اخلاق شهروندی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۵: ۶۱-۸۰.
- رابرتسون، رابرت (۱۳۸۲)، *جهانی‌شدن*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.

- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف یا ابزار توسعه»، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰: ۵۴-۶۳.
- رهبرقاضی محمودرضا و همکاران (۱۳۹۵)، «فرهنگ سیاسی مشارکتی و تأثیرات سرمایه اجتماعی»، مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، شماره ۴: ۱۰۱-۱۲۲.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۱: ۳۳-۵۲.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۳)، «مشارکت منفعلانه و علل تداوم آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۱: ۱۴۵-۱۶۶.
- صالحی، عباس (۱۳۸۵)، «در چیستی و چگونگی مشارکت سیاسی»، مجله نگاه حوزه، شماره ۲۰۰: ۱۳۹-۱۸۱.
- عاملی، سعید (۱۳۸۰)، «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸: ۱۶۷-۲۰۰.
- عبدالهیان حمید و حق‌گویی، احسن (۱۳۸۸)، «تبیین رابطه کاربری اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴: ۱۳۰-۱۵۹.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- فیرحی، داود (۱۳۷۷)، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱: ۱۳۳-۱۴۹.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- کرمانی، حسین و پاکدامن، یوسف (۱۳۹۵)، «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی کاربران ایران در فیس‌بوک و مشارکت مدرن آن‌ها در دنیای واقعی»، *مجله پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۸۷: ۳۵-۹.
- لپیست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: انتشارات توس.
- محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲)، *مشارکت اجتماعی در ایران*، تهران: نشر آرون.
- نادری، احمد (۱۳۹۴)، «فرا تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۱: ۲۵۹-۲۹۰.
- هاتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران: روزنه.
- هاتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴)، *گزارش طرح پژوهشی سنجش اشکال و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان و نگرش‌های آنان درباره مشارکت سیاسی*، تهران: سازمان ملی جوانان.
- وفادار، مزگان (۱۳۷۵)، *دموکراسی برداشت مردم و دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- Akshy, E., Messing, S., and Adamic, L. (2015), Exposure to Ideologically Diverse News and Opinion on Facebook *Science*, No. 348:1130° 1132.
- Beaman, J. (2013), **French in the Eyes of Others: Cultural Citizenship, Marginalization, and Faa’'’s Middle-Class North African Second-Generation**, European University Institute, Max Weber Program, Italy, EUI Working Paper.
- Beaman, J. (2016), Citizenship as Cultural: Towards a Theory of Cultural Citizenship *Sociology Compass*, No. 10: 849° 857.
- Bennett, W. L., Segerberg, A., and Walker, S. (2014), Organization in the Crowd: Peer Production in Large-Scale Networked Protests *Information, Communication and Society*, No. 17: 232° 260.
- Bimber, B., Stohl, C., and Flanagin, A. J. (2009), **Technological Change and the Shifting Nature of Political Organization**, in A. Chadwick and P. N. Howard (Eds.), *The Routledge Handbook of Internet Politics* (PP. 72° 85), New York, NY: Routledge.
- Bode, L. (2012), Facebooking it to the Polls: A Study iIn Online Social Networking and Political Behavior *Journal of Information Technology and Politics*, No. 9: 352° 369.

- Bode, L. et al. (2014), A New Space for Political Behavior: Political Social Networking and Its Democratic Consequences , **Journal of Computer-Mediated**, No. 3: 414-429.
- Effing, R., Hillegersberg, J., and Huibers, T. (2011), Social Media and Political Participation: Are Facebook, Twitter and Youtube Democratizing our Political Systems? **International Federation for Information Processing**: 25° 35.
- Gaiser, W., and Rijike, J. (2008), “*Political Participation of Youth Young Germans in the Eropean Context*”, **Asia Eroup Journal**, No. 5: 541-555.
- Gil De Zúñiga, H., Barnidge, M., and Scherman, A. (2017), Social Media Social Capital, Offline Social Capital and Citizenship: Exploring Asymmetrical Social Capital Effects **Journal of Political Communication**, No. 34: 44-68.
- Hampton, K. N. (2011), Comparing Bonding and Bridging Ties for Democratic Engagement **Information, Communication and Society**, No. 14: 510° 528.
- Haythornthwaite, C. (2002), Strong, Weak and Latent Ties and the Impact of New Media **The Information Society**, No. 18: 385° 401.
- Kavada, A. (2015), Creating the Collective: Social Media, The Occupy Movement and Its Constitution as a Collective Actor , **Information, Communication and Society**, No. 18: 872° 886.
- McClurg, S. D. (2003), “*Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation*”, **Political Research Quarterly**, No. 4: 449-464
- Putnam, R. D. (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York: Simon and Schuster.
- Rosa, A. L. (2014), **Social Media and Social Movements Around the World**, In B. Patrut and M. Patrut (Eds.), *Social Media in Politics: Case Studies on the Political Power of Social Media* (Pp. 35° 47), London, England: Springer.
- Skoric, M. M., Ying, D., and Ng, Y. (2009), Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore , **Journal of Computer Mediated Communication**, No. 14: 414° 433.
- Skoric, M. M., and Zhu, Q. (2015), Social Media and Offline Political Participation: Uncovering the Paths from Digital to Physical , **International Journal of Public Opinion Research**, No. 3: 415-427.
- Valenzuela, S. (2013), Unpacking the Use of Social Media for Protest Behavior: The Roles of Information, Opinion Expression and Activism , **American Behavioral Scientist**, No. 57: 920° 942.
- Valenzuela, S., Park, N., and Kee, K. F. (2009), Is There Social Capital in a Social Network Site? Facebook Use and College Students Life Satisfaction, Trust, And Participation **Journal of Computer-Mediated Communication**, No. 14: 875° 901.
- Williams, D. (2006), On and off the Net: Scales for Social Capital in an Online Era **Journal of Computer-Mediated Communication**, No. 11: 593-628.

- Zhao, W. et al. (2011), Comparing Twitter and Traditional Media Using Topic Models Advances in Information Retrieval ,**Lecture Notes in Computer Science**, No. 6611: 338-349.

